تاثیر سیاستهای مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی
مطالعه موردی : کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

کبری آملی دیوا[1]
احمد جعفری صمیمی[2]
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۱۸

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تاثیر سیاستهای مالیاتی برکارایی دولت، در شرایط آزادسازی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال های ۲۰۰۸-۱۹۹۵ است. بر اساس تعریف بنیاد هریتیج ، آزادی مالیاتی یک مقیاس کیفی است بطوری که پایین ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می شود. در این مقاله سعی شده است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی ، با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی– سری زمانی(پانل دیتا) ، تأثیر آزادسازی مالیاتی بر کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۲۰۰۸-۱۹۹۵) مورد بررسی قرار گیرد . به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است و از نرم افزار Estata جهت برآورد مدل مورد نظر استفاده گردیده است. نتایج حاصل از تخمین نشان می دهد رابطه منفی بین آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت در این کشورها وجوددارد. نتایج حاصل از آزمون معنی دار بودن در سطح ۵ درصد نیز آن را تأیید نموده است.

واژگان کلیدی:
آزادسازی اقتصادی، آزادی مالیاتی ، کارایی دولت ،کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

۱- کارشناس ارشد مالیاتی اداره کل امورمالیاتی استان مازندران
۲- استاد دانشگاه مازندران

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

۱- مقدمه

آزاد سازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل های دولتی از بازار های مالی، کالاها و خدمات ، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می باشد . عمده این اقدامات عبارتند از برداشتن کنترل از بازارهای مالی ، رها سازی قیمتهای تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار ، حذف یارانه و تعدیل قیمت های یارانه ای ،گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه های تجاری و محدودیت های مقداری ،استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده های بانکی.

بنابراین، با توجه به اینکه یکی از مهمترین شاخص های آزاد سازی اقتصادی، شاخص آزاد سازی مالیاتی است، می توان از طریق شکوفا نمودن بازار رقابتی، خصوصی کردن بنگاههای دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، استقبال از سرمایه گذاران و حذف مقررات زائد دولتی و انحرافات قیمتی در بازار محصول و عوامل تولید زمینه بالا رفتن کارایی و رشد اقتصادی را فراهم خواهد نمود.

با توجه به مطالب فوق ، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر سیاستهای مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزاد سازی اقتصادی در کشور های عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۲۰۰۸-۱۹۹۵) می باشد. برای این منظور در بخش اول روش تحقیق معرفی می شود و سپس شاخص های آزادسازی اقتصادی و آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت و روش های اندازه گیری آن ها مورد بررسی قرار می گیرد. پس از ارائه مبانی نظری در بخش سوم خلاصه ای از مطا لعات انجام شده در داخل و خارج کشور آورده می شود. در بخش چهارم با معرفی الگوی اقتصادسنجی تحقیق، متغیرها و داده های تحقیق معرفی شده و در ادامه به تصریح مدل پرداخته می شود و سپس ضمن برآورد الگوی اقتصاد سنجی مورد نظر و انجام آزمون های مربوطه، خلاصه نتایج ارائه می شود .

۲- روش تحقیق و معرفی متغیرها

در این مقاله ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی نمونه آماری را تشکیل می دهند و حدود زمانی این پژوهش بین سال های ۲۰۰۸-۱۹۹۵می باشد. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است. در این مقاله سعی شده

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی ، با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی– سری زمانی (پانل دیتا) ، رابطه بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مورد بررسی قرار گیرد . در این مقاله فرضیه زیر مورد آزمون قرار می گیرد:

– بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای مورد نظر رابطه منفی وجود دارد.

با استفاده از روش های اقتصاد سنجی و الگوی رگرسیونی بین کشوری و با کمک نرم افزار Estata این فرضیات مورد آزمون قرار می گیرند .

۲-۱- شاخص آزادسازی اقتصادی

شاخص آزاد سازی اقتصادی از سال ۱۹۹۵ میلادی به صورت سالیانه به منظور بررسی عوامل موثر بر آزاد سازی اقتصادی برای اغلب کشور های جهان محاسبه شد. از آنجایی که تعریف شفاف از آنچه که به آزادسازی اقتصادی تعبیر می شود و نیز چگونگی اندازه گیری آن وجود ندارد، این بحث دچار پیچیدگی های خاصی می شود. آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل های دولتی از بازارهای مالی، کالا ها و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می باشد. عمده این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی ، رهاسازی قیمت های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیرو های بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت های یارانه ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه های تجاری و محدودیت های مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده های بانکی[۱] .

دراین زمینه یکی ازمعروفترین شاخص های آزادسازی اقتصادی، شاخص بنیاد هریتیج[۲] می باشد، که به صورت منظم هر ساله منتشر می گردد. در تحقیق حاضر نیز از این شاخص استفاده شده است . این شاخص دامنه وسیعی از متغیرهای مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی را در بر می گیرد. عوامل دهگانه

۱ – احمد جعفری صمیمی و کرم سینا، (۱۳۸٤) "جهانی شدن، شاخص ها و جایگاه اقتصاد ایران" تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی ،ص۲٦.

2 - Heritage Foundation

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج عبارتند از: آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت، آزادی نیروی کار، آزادی از فساد. در شاخص آزادسازی اقتصادی هر ده عامل فوق از اهمیت و وزن یکسانی بر سطح آزادسازی اقتصادی هر کشور برخوردار می باشند؛ به عبارت دیگر برای تعیین امتیاز یک کشور، هر ده عامل فوق ضریب اهمیت یکسانی دارند. بر اساس شاخص ارائه شده توسط بنیاد هریتیج و به منظور اندازه گیری آزادسازی اقتصادی در هر کشور، گروهی از محققان و صاحب نظران در زمینه مسائل اقتصادی سازمان ها و موسسات در کشور های مختلف جهان وضعیت ۵۰ متغیر مختلف اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده که در نهایت این متغیرها به ۱۰ عامل که به عوامل مهم آزادسازی اقتصادی معروف می باشند، خلاصه می شوند. همچنین به هر یک از این عوامل امتیازی بین صفر(بدترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) وصد (بهترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) تعلق می گیرد که در نتیجه میانگین این عوامل نیز بین صفر و صد می شود.این روش محاسبه برای آزادسازی اقتصادی از سال ۲۰۰۶به بعد صورت گرفته، و از سال ۱۹۹۵ تا۲۰۰۵ از اطلاعات ارائه شده براساس امتیازیک تا پنج استفاده می شد.

براین اساس کشورها ازلحاظ شاخص آزادسازی اقتصادی به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱- آزاد: کشورهایی با میانگین امتیاز ۱۰۰-۸۰ ؛

۲- تقریباً آزاد : کشورهایی با میانگین امتیاز ۷۹/۹- ۷۰ ؛

۳- آزادی متعادل : کشورهایی با میانگین امتیاز ۶۹/۹- ۶۰ ؛

۴- تاحدودی وابسته به دولت: کشورهایی با میانگین امتیاز۵۹/۹-۵۰

۵- کاملاً وابسته به دولت : کشورهایی با میانگین امتیاز ۴۹/۹- ؛

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

۲-۲- شاخص آزادی مالیاتی

دولت می تواند با قراردادن بار مالیاتی بر فعالیت های اقتصادی برای خود ایجاد درآمد کند، این کاردر ابتدا از طریق مالیات و نیز دیونی صورت می پذیردکه در نهایت باید به وسیله مالیات پرداخت شود.آزادی مالیاتی، مقیاس کیفی از این بارها است ، بطوری که پایین ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می شود.

عامل بار مالی(مالیاتی) دولت از چهار متغیر زیر تشکیل شده است که عبارتند از:

- نرخ نهایی مالیات برای شرکت ها؛
- نرخ نهایی مالیات برای درآمدهای بالا؛
- نرخ نهایی مالیات برای مالیات دهندگان متوسط؛
- درآمد کل مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی؛

محققان، به منظور اندازه گیری بار مالی تحمیل شده دولت به شهروندان شاخص آزادسازی اقتصادی را از طریق سه متغیر نرخ نهایی مالیات بر شرکت ها، نرخ نهایی مالیات بر درآمد و کل درآمد مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند. نرخ نهایی مالیاتی که افراد با آن مواجه می باشند، تحت تأثیر قیمتی است که آن ها بابت فعالیت های اقتصادی خود می پردازند. آنچه که بعد از پرداخت این مالیات برای آنها باقی می ماند، پاداش فعالیت های آنها می باشد. هر چه قیمت فعالیت های اقتصادی بیشتر باشد(نرخ مالیات بالا باشد)، پاداش یا سود فعالیت آنها کمتر خواهد بود و برعکس هر چه قیمت پرداختی بابت فعالیت های بازرگانی و اقتصادی کمتر باشد، پاداش آنها بیشتر خواهد بود. بنابراین هر چه نرخ مالیات بیشتر باشد، درجه آزادسازی اقتصادی کمتر می شود. هرچند نرخ مالیات بر درآمد افراد و شرکت ها برای آزادی اقتصادی بسیار مهم است اما مقیاس کامل و جامعی از بار مالیاتی نیست، زیرا تعداد زیادی از مالیات همچون مالیات برحقوق ، فروش و مالیات برمشروبات الکلی ،تعرفه و مالیات بر ارزش افزوده را در برنمی گیرد.

یک روش برای گرفتن همه مالیات ها، اندازه گیری تمام درآمد دولت از تمامی اشکال مالیات به عنوان درصدی از کل GDP است. بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، آفریقا واروپا، صندوق بین المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جامع ترین اطلاعات مربوط به بار مالیاتی دولت را ارائه می نماید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

هریک از سه متغیرکمی نام برده در بالا در محاسبه شاخص آزادی مالیاتی دارای وزن یکسانی برابر یک سوم از کل فاکتور است. آزادی مالیاتی طبق معادله درجه دوم ذیل محاسبه می شود:

$FF_{ij} = 100 - \alpha\ (Componentij)\ 2$

FFij آزادی مالیاتی را در کشور i برای بخش j ام و $Component_{ij}$ امتیاز آن جزء در کشور i برای بخش j ام را بیان می کند α ضریبی است برابر با عدد 0.03 است.

کمترین امتیاز برای هر بخش صفر است که در معادله نوشته شده بیان نشده است اما مورد استفاده قرار گرفته است و به این معنی است که هیچ بار مالیاتی برروی دو بخش دیگر نخواهد بود.

۲-۳- شاخص کارایی دولت

در ربع آخر قرن گذشته با انتقادهایی که از ناکارآمدی پدیده دولت بزرگ صورت گرفت و پس از بررسی های مفصل درباره ساز و کارهایی که در کشورهای جهان سوم اعمال می شد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) در سال های آخر دهه ۱۹۹۰ شاخص های دولتی را تدوین و ارائه کردند که یکی از آنها کارایی دولت است. بانک جهانی در گزارش شاخص های عملکرد دولت،[1] کارایی دولت را ، کیفیت خدمات عمومی ، کیفیت خدمات شهری ، درجه استقلال از فشارهای سیاسی ، کیفیت تنظیم و اجرای سیاست و اعتبار تعهدات دولت برای آن سیاست ها بیان کرده است. در سالهای اخیر بانک جهانی شش شاخص مهم مربوط به چگونگی مداخله دولت و ارتباط آن با مردم و همچنین چگونگی ایفای نقش دولت و عملکرد آن را منتشر نموده است .

این شاخص ها عبارتند از : ۱- توجه به دیدگاه و نقطه نظرات مردم توسط دولت ۲-ثبات سیاسی ۳- کارایی دولت : صلاحیت دستگاه اداری و کیفیت خدمات عمومی ارائه شده به مردم را اندازه گیری می کند . ۴- کیفیت قانون گذاری ۵- نقش قانون ۶- کنترل فساد .

1- Kaufmann Danniel, Aart Kraay, Massimo Mastruzzi(2007) ,"The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics," Washington, D.C, World Bank Policy Research Working Paper No. 4149 pp.43-56.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

براساس طبقه بندی بانک جهانی کشورها از لحاظ عملکرد شاخص های فوق به چهار دسته تقسیم می شوند :

۱-عالی :کشورهای با میانگین امتیاز ۸۰تا ۱۰۰؛

۲- خوب : کشورهای با میانگین امتیاز ۷۰تا ۷۹/۹؛

۳-تا حدودی خوب : کشورهای با میانگین امتیاز ۶۰ تا ۶۹/۹ ؛

۴- ضعیف : کشورهای با میانگین امتیاز ۵۰ تا ۵۹/۹ ؛

۵- بسیار ضعیف : کشورهای با میانگین امتیاز ۰تا ۴۹/۹ ؛

دامنه شاخص های فوق بین ۱ تا ۱۰۰ می باشد که هرچه شاخص های فوق به عدد ۱۰۰نزدیکتر باشند ، نشان دهنده عملکرد مطلوب کشور در زمینه آن شاخص می باشد و هرچه به امتیاز۱نزدیکتر باشد، نشان دهنده سطح پایین ترکارایی دولت در آن کشور می باشد.

۳- مبانی نظری

در ادبیات اقتصادی در ارتباط با دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی دیدگاه ها و نظریه های متفاوتی وجود دارد. به طور کلی این دیدگاه ها را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:در **دیدگاه اول** تصور بر این است که در حیطه فعالیت های اقتصادی، رشد اقتصادی در مرحله نخست اهمیت قرار دارد و باپیگیری همه جانبه آن رفاه کل جامعه را می توان به حداکثر رسانید و طبیعتاً توزیع عادلانه درآمد در این راستا به عنوان یک اصل مطرح نمی شود، ولی در عین حال در این روند رفاه قشرهای پایین جامعه نیز افزایش می یابد. رشد سریع اقتصادی نیز با واگذاری تصمیم گیری های اقتصادی بر عهده افراد یا نهادهای خصوصی که با هم در حال رقابت هستند میسر است. در این دیدگاه فرض بر این است که بهره وری فعا لیت های اقتصادی دولت به مر اتب پایین تر از بخش غیر دولتی است و مقررات و مداخله دولت ، به ویژه در بازارهای سرمایه و کار وکالاهای قابل تجارت مانع از آن می شود که افراد و بنگاه ها، سود آورترین راه های سرمایه گذاری را آزادانه انتخاب کنند. بدین سان ، دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی عملاً موجب تخصیص نا مطلوب منابع می شود .گذ شته از آن ، عملکرد دولت اغلب همراه با نوعی رهبری غیر کاراست و بسیاری از سیاست های پولی و مالی که اتخاذ می کند ، موجب می شود انگیزه های اقتصا دی خراب شده و کارا یی سیستم کاهش یابد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

دیدگاه دوم ، نقش دولت را در توسعه اقتصادی مسلم دانسته و در این راستا،حجم وسیعی از فعالیت های اقتصادی دولت را به منزله قدرت بیشتر برای به حرکت در آوردن موتور توسعه اقتصادی تصور می کند نقش مثبت دولت در هماهنگ کردن سلیقه های فردی و اجتماعی و در عین حال ، ایجاد امنیت و افزایش سرمایه گذاری های موثر و فراهم کردن جهت گیری اجتماعی مطلوب برای رشد و توسعه اقتصادی از نکات عمده ای است که دخالت وی در امور اقتصادی را توجیه می کند. این دیدگاه ، بیشتر از سوی اقتصاددانان قاره اروپا ، بجز انگلستان و به خصوص آلمان مطرح شد. آنان سیستم اقتصاد را در دو بعد خصوصی و دولتی بررسی می کردند. دید گاه های مطرح شده در زمینه دخالت دولت در اقتصاد را می توان در نظریات ماقبل کلاسیک، دیدگاه کلاسیک، دولت در اقتصاد نئوکلاسیک و کینزی، تئوری های مربوط به اقتصاد سوسیالیستی، اقتصاد اسلامی و غیره مورد بررسی قرار داد. «آدم اسمیت» به عنوان اقتصاددان کلاسیک برای دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی حوزه عمل وسیعی را مد نظر قرارنمی دهد و معتقد است رفاه اجتماعی بهینه، از طریق بازارهای رقابتی که در آن نفع شخصی، انگیزه عاملان اقتصادی است را می توان به حداکثر رسانید. از دیدگاه وی عملکرد اقتصادی دولت بر اساس تبعیت از یک نظم طبیعی است و آن عدم دخالت در بازار است. در چارچوب نظری این مکتب، دخالت دولت در مواردی مجاز شمرده می شود که به دلایلی عملکرد مطلوب دولت مورد خدشه واقع شود. این موارد در ادبیات امروز اقتصاد، به شکست بازار شهرت یافته است. اغلب نظریه پردازان این مکتب ادعا می کنند که با تحقق شرایط مفروض لیبرالیسم اقتصادی و اعطای آزادی های شخصی، منابع به نحو کارایی تخصیص خواهد یافت، ولی امروزه می توان مثال های عینی و مشاهدات تجربی فراوانی حتی در کشورهایی که مبانی نظری این مکتب حاکم است را مشاهده نمود که به رغم اعمال مقررات شدید ضد تراست هنوز نتوانسته اند کم ترین شرایط رقابتی را برای فعالیت های اقتصادی فراهم سازند، از سوی دیگر در صحنه بین المللی شرکت های چند ملیتی و انحصاری، کنترل بازارهای جهانی را در اختیار دارند و با وجود تلاش کشورهای جهان سوم حجم مبادلات بین کشورهای صنعتی و نیز بین این کشورها و کشورهای جهان سوم به مراتب بیشتر از مبادلات بین کشورهای در حال توسعه است و بطور دایم رابطه مبادله به ضرر کشورهای در حال توسعه تغییر کرده است و هر روز آزادی مبادلات تجاری کاهش یافته و حذف تعرفه ها و جهانی شدن اقتصاد مشاهده می گردد[1]. اندیشه اقتصاددانان

۱ – سعید، فراهانی فرد (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد ،تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ،۱۳۸۱

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

مکتب کلاسیک توسط اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک بسط یافت. «نئوکلاسیک» علاوه بر آزادی در فعالیت های تولیدی آزادی انتخاب در مصرف را نیز به میان کشیدند و شواهد تحلیلی بیشتری مبنی بر اینکه رقابت آزاد مصرف کنندگان رفاه اقتصادی جامعه را در الگوی رقابت کامل حداکثر می کند ارایه کردند . مطابق این اندیشه وجود دولت در صورتی سودمند خواهد بود که علاوه بر وظایف یاد شده توسط کلاسیک ها فعالیت های غیر رقابتی و انحصاری را غیرقانونی ساخته و با ابزارهایی که دراختیار دارد آنها را محدود سازد.از نظر نئوکلاسیک ها، وظیفه دولت دخالت و نظارت بر مکانیسم های غیر متمرکز بازار است و اگر کمبودهایی وجود داشته باشد آنان را اصلاح می کند . بنابراین دولت در اینجا ترجیح های فردی را محترم شمرده و وقتی دخالت می کند که تامین بهترین تخصیص منابع امکانپذیر نیست. به علاوه در این دیدگاه دولت در شرایطی مجاز به دخالت است که باعث انحراف در کارکرد کارگزاران اقتصادی نگردد که این امر در نتیجه اخذ مالیات های مقطوع و پرداخت های انتقالی خواهد بود.

در این نظریه اصل بر نظام بازار و کار آمد بودن آن است و دخالت دولت در موارد خاص و به صورت تدریجی مجاز شمرده می شود. اوضاع اقتصادی بحران سال ۱۹۲۹ و ناکامی های نظام اقتصاد کلاسیک در مورد پایان دادن به بحران مزبور و ظهور «جان مینارد کینز» در صحنه نظریه های اقتصاد کلان به همراه انتشار کتاب" اشتغال بهره و پول " توسط وی فصل جدیدی را برای دخالت دولت در امور اقتصادی و فعالیت های آن گشود.

جان مینارد کنیز در واقع به دلایل عمده زیر، دخالت دولت در امور اقتصادی را تجویز کرده و حتی اندازه قلمرو فعالیت های این بخش را بصورت کلی تدوین کرده است. این دلایل عبارتند از: [۱]

الف) تعادل اشتغال کامل و لزوم دخالت دولت، ب) سیاست های پولی و مالی در الگوی کینز، ج) دام نقدینگی و لزوم دخالت دولت . نقش دولت در اقتصاد کینزی را می توان در سیاست های پولی و مالی دولت خلاصه کرد. سیاست مالی عمدتاً ناظر بر خط مشی بودجه ای دولت است که از طریق آن می توان با افزایش هزینه های دولت (سیاست مالی انبساطی) و تدابیر مالیاتی (باز توزیع در آمد) به جبران افت ساختاری تقاضای کل پرداخت. در نهایت می توان گفت که نظریه دولت در اقتصاد کینزی به رغم آن که در دوره زمانی معینی شیوع عام یافت و سیاست های اقتصادی توصیه شده وی در بسیاری از

۱ – فریدون ، تفضلی(۱۳۸۱) ، تاریخ عقاید اقتصادی،تهران: صص ۳۶۳ –۳۹۴.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

کشورها اجرا شد نتایج مورد انتظار را برآورده نساخت. او برای دولت نقش اقتصادی مهم و تعیین کننده ای جهت اشتغال کامل و توزیع مناسب تر درآمد قایل شد که حاصل آن دولتی تر شدن نظام اقتصادی و در نتیجه تخصیص غیر بهینه منابع، کاهش بهره وری، گسترش بیکاری و تورم بود. مهمترین تحول نیمه نخست قرن نوزدهم شکوفایی سرمایه داری صنعتی همراه با پیروزی نظام سرمایه داری لیبرالیستی است. رقابت آزاد اقتصادی فراگیر شده بود و دولت از هر نوع مداخله ای در امر تولید و روابط کارگر و کارفرما خودداری می کرد. شرایط رقابت و لیبرالیسم اقتصادی پیامدهای وخیمی را به دنبال داشت که مهمترین آن دو قطبی شدن جامعه بود. به دنبال پیدایش بحران های اقتصادی فقر و توزیع ناعادلانه درآمد، برخی اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند که باید اصلا حات و تجدید نظرهایی در اصول مکتب کلاسیک به وجود آید. سیسموندی با بی اساس خواندن فرضیه علمی فیزیو کرات ها و کلاسیک ها که منافع جامعه را در لوای نفع خصوصی می‌دانستند، دخالت دولت در اقتصاد را مطرح می کند.[۱] مجموعه عوامل و دلایلی که به طور خلاصه به آنها اشاره شده تاریخ دولتی شدن هرچه بیشتر اقتصادهای جهان از کشورهای صنعتی پیشرفته گرفته تا دنیای سوم را از دهه‌های آغازین قرن بیستم تا دو دهه پایانی آن رقم زد. اما رفته‌رفته اعتقاد و اعتماد به این مسیر در میان اکثریت اقتصاددانان رو به کاستی نهاد. ظهور تورم توام با رکود در کشورهای صنعتی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ و تداوم آن در دهه ۱۹۷۰ میلادی پایه‌های سیاست‌های کینزی را به شدت متزلزل ساخت. ناکارآمدی اقتصاد دولتی منجر به تغییر سیاست‌های اقتصادی و روی گرداندن از رویکرد مدیریت تقاضا و کنترل بازار کینزی و روی آوردن هرچه بیشتر به مکانیسم‌های بازار آزاد در سال‌های پایانی دهه۱۹۷۰ و طی دهه ۱۹۸۰ میلادی به ویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی شد. دو کشور پیشگام در این خصوص انگلستان (زمان نخست‌وزیری مارگارت تاچر) و آمریکا (زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان) بودند که به عنوان نقطه عطف و الگویی برای دیگر کشورهای بلوک غیر کمونیستی قرار گرفتند. همزمان با این تحولات در اقتصادهای غربی، در کشور کمونیستی و بسیار فقیر چین نیز اصلاحات اقتصادی به رهبری تنگ شیائوپینگ در جهت آزادسازی اقتصاد و استقرار مکانیسم‌های بازار آغاز شد و به سرعت نتایج درخشانی از جهت عملکرد اقتصادی و فقرزدایی به بار آورد. آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی که همزمان با فروپاشی

۱ – حسین ، نمازی(۱۳۸۲)، .نظام های اقتصادی،تهران:انتشارات شرکت سهامی انتشار، صص ۷۹-۷۳.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

نظام‌های کمونیستی شوروی و اروپای شرقی است، در واقع نقطه عطف مهمی در اعاده حیثیت از نظام اقتصاد آزاد به شمار می‌آید. از آن زمان به این سو، دیگر کمتر اقتصاددانی را می‌توان یافت که بی محابا همانند قبل، از دولتی شدن اقتصاد دفاع کند.

امروزه مکانیسم بازار جایگاه اصلی و محوری خود را در نظام اقتصادی و حتی سیاست‌گذاری‌ها بازیافته و دولت دیگر به عنوان جایگزین آن به هیچ وجه مطرح نیست، ولی بحث درباره حدود و ثغور ارتباط دولت و اقتصاد هنوز ادامه دارد. بررسی‌های نظری و تجربه عملی یک قرن گذشته نشان می‌دهد که برای رفع نارسایی‌ها و کمبودهای نظام بازار روی آوردن به اقتصاد دولتی راه‌حل مناسبی نیست. شکست دولت زیان‌هایی به مراتب بیشتر از شکست بازار به همراه می آورد. برای مرتفع ساختن آثار خارجی منفی برخی فعالیت‌ها در نظام بازار الزاما نیازی به دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیست. بخش بزرگی از این اشکالات را می‌توان با انجام اصلاحات در نهادهای اقتصادی چاره‌جویی کرد. نظریه‌های مدرن حقوق اقتصادی بر این نکته تاکید دارند که اگر حقوق مالکیت بازیگران اقتصادی به نحو مناسب‌تری تعریف و تعیین شود و نهادهای حقوقی مرتبطی در این خصوص تعبیه گردد، دامنه آثار خارجی منفی به شدت کاهش می‌یابد. در هر صورت در بهترین حالت دولت می تواند ابزاری در خدمت عملکرد بهتر بازار باشد.

٤- مروری بر کارهای انجام شده

تحقیقات فراوانی در زمینه رابطه بین شاخص آزادسازی اقتصادی و رشد اقتصادی، فساد، تجارت، فرهنگ، امنیت اقتصادی ، ... صورت گرفته است .اما در زمینه بررسی ارتباط بین آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت تحقیقات اندکی انجام پذیرفته است. در این بخش به مرور و بررسی چند نمونه ازکارهای تحقیقاتی با این موضوع می پردازیم:

جعفری صمیمی وآذرمند(۱۳۸۳) رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص های عمده اقتصاد کلان را طی سال های ۲۰۰۳-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل های آماری و تخمین الگوهای اقتصادسنجی، وجود یک رابطه مثبت و معنی دار بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصادی در کشورهای مورد نظر را نشان می دهد. به عبارت دیگر افزایش سطح آزادسازی اقتصادی منجر به افزایش سطح تولید کل، رشد اقتصادی و نرخ سرمایه گذاری و کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

می شود. همچنین نتایجی که از تجزیه شاخص به دست آمده است،گویای این امر است که عوامل بـازار سیاه، بارمالیاتی دولت ، سیاست های پولی، حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و دخالت دولت در اقتصاد بـا رشد اقتصادی رابطه معنی دار دارندکه این نتایج مفیدتر از نتایجی است که بر شاخص های مرکب تأ کید می نماید.

پژویان(۱۳۷۱) در مقاله خود با عنوان خصوصی سـازی و کـارایی دولـت، نـوع خصوصـی سـازی اقتصاد را به ۲قسمت هزینه ها و درآمدهای دولت تقسیم بندی نموده اسـت . سـمت هزینـه هـا، عمـدتاً فعالیت های تولیدی دولت، همراه با عدم کارایی ناشـی از مـدیریت دولتـی اسـت ؛ کـــه در نتیجـه آن هزینه های بنگاه دولتی در سطح بالاتر از هزینه های بخش خصوصی قرار مـی گیـرد. ایـن مهـم حتـی دخالت دولت در امور تولید کالایی که به علل عدم کارایی بازار می تواند در چارچوب فعالیت های دولـت قرار گیرد را مورد سوال قرار می دهد. در این مقاله با استفاده از توابع لاگرانژ، توابع مطلوبیت مدیر دولتـی و خصوصی و محدودیت های آنها مطرح شده و سپس توابع تقاضا برای هـر یـک از دو مـدیر اسـتخراج شده اند. براساس بررسی انجام شده در این تحقیق هر چقدر اندازه دولت بزرگتر شود نیاز بـه جمـع آوری درآمد مالیاتی بیشتر می شود . برای افزایش درآمد های مالیاتی یا باید نرخ های مالیاتی را افـزایش داد و یا در جستجوی منابع جدید مالیاتی بود. از آن جا که به صـورت معمـول دولـت ابتـدا از منـابع مالیـاتی مناسـبتر از نظـر هـدف تخـصیص شـروع می کند ، در نتیجـه افـزایش نـرخ هـای مالیـاتی و برقـراری مالیات های جدید با عدم کارایی بیشتر در اقتصاد همراه خواهد بود.

اکبریان مهر (۱۳۸٦) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین شاخص های ثبات سیاسی و کـارایی دولت با شاخص رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانـه و شـمال آفریقـا پرداختـه اسـت. در ایـن تحقیق از داده های مقطعی در دوره (۲۰۰۶-۱۹۹۶) و از جدیدترین اطلاعات منتشر شـده اسـتفاده شـده است. نتایج تحقیق حاصل بیانگر این موضوع است که وضعیت ثبات سیاسی منطقه طی سال های مـورد مطالعه بدتر و ضعیف تر شده است و همچنین، سطح کارایی دولت در کـل منطقـه خاورمیانـه و شـمال آفریقا کاهش یافته است. ضرایب همبستگی بین شاخص های ثبـات سیاسـی و کـارایی دولـت بـا رشـد اقتصادی مثبت بوده که این علامت بیانگر وجود ارتباط مثبت میان دو شاخص عملکـرد دولـت بـا رشـد اقتصادی است. همچنین ضریب همبستگی بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی بیشتر از ضریب همبستگی بین کارایی دولت و رشد می باشد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

پارک(۲۰۰۵)[1] در مقاله خود رابطه بین آزادسازی اقتصادی و نقش دولت ها را مورد بررسی قرار داده است و به طور خاص توضیح می دهد که زیان قدرت دولت در مقابل آزادسازی، کاهش توانایی جمع آوری مالیات به خاطر حرکت بیشتر سرمایه و نیروی کار در سطح جهانی است . این مقاله بیان می کند که جهانی شدن بطور ذاتی مضر نیست بلکه سیاست های نامناسب دولت در جهت جهانی شدن است که اغلب جهانی شدن را به سوی نیروهای مخرب سوق می دهد. کلید اصلی این نقش در مورد کاهش ریسک ها و تعدیل قیمت ها به منظور تخصیص بهینه منابع بین بخش ها در دست دولت است . به عبارت دیگر تأثیر آزادسازی بر افراد و بنگاه ها، بستگی به این دارد که چقدر دولت ها به آزادسازی واکنش نشان می دهند. نتایج این تحقیق بیان می کند که، آزادسازی اقتصادی و کاهش موانع حرکت کالاها ، خدمات، سرمایه و نیروی کار بین کشورها به عنوان مثال جریان سرمایه از کشورهایی با سرمایه فراوان به کشورهای فقیربنگاه ها، را قادر می سازد با نرخ بالاتری سرمایه هایشان به شرکت ها و بنگاه ها باز گردد.

روندی نیلی(۲۰۰٤)[2] در مقاله ای با عنوان توسعه رقابت جهانی در یک اقتصاد جهانی، بر تغییر نقش دولت به نقش برنامه ریز و کنترل کننده اصلی اقتصاد جهانی در تهیه کالاها و خدمات، و بازار به عنوان موتور رشد اقتصادی، توجه نموده است و از آن به عنوان کارکرد اصلی دولت ها برای گسترش رقابت ملی در اقتصاد جهانی یاد کرده است. براساس نتایج این مقاله دولت ها درپی دخالت و دستیابی به سود از اقتصاد جهانی باید ۷ ویژگی را برای سیستم بازار ایجاد کنند که شامل:۱- محرک اقتصادی برای بازار ۲- حمایت از مالکیت خصوصی ۳- سرمایه گذاری آزاد در بازار ۴- بازار مبتنی بر تصمیم بازار ۵- ایجاد فرصت برابر ۶ – ایجاد رقابت سالم در بازار ۷- نقش راهنمایی کننده اجتماعی برای افزایش شغل و در پی آن افزایش درآمد و افزایش رفاه برای مردم.

1-Donghyun Park,(۲۰۰۵)" The Roles of Government in increase of Borderless of the world", "Nan yang Technological University, .

2- Dennis A. Rondinelli(2004),"Global Competition Development in the Global Economic" United Nation committee of experts on pubic Administration , Fourth session, New York ,4 -8April (2004).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

اوستوکر(۲۰۰۶)[1] در این مقاله رابطه بین آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه(حقوق صاحبان شرکت ها) را در بین کشورهای جهان طی سال های ۲۰۰۲-۱۹۷۰ بررسی کرده است . نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بازگشت سرمایه بین کشوری مستقیماً با افزایش آزادی اقتصادی در ارتباط است . در این مقاله از شاخص آزادسازی اقتصادی (EF) استفاده شده است. مهمترین نتایج، رابطه مثبت و مستقیم بین درصد افزایش آزادسازی اقتصادی و نرخ بازگشت سرمایه است (ضریب = ۰.۳۹۴) ، رابطه معکوس بین سطح شروع آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه است(ضریب = ۰.۱۶۳-) . از طرف دیگرنتایج تخمین نشان می دهد که، رابطه منفی بین سطح آغازین آزادسازی اقتصادی و درصد افزایش در آزادسازی اقتصادی وجود دارد (ضریب = ۰.۲۷۷۷-) و نتیجه پایانی اینکه بین سطح آغازین آزادسازی اقتصادی و سطح پایانی آن رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (۰.۸۸۶-).

۵-تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج

۵-۱- معرفی مدل

دراستفاده از داده های ترکیبی(پنل) ، از مدل ها و آزمون های خاص این روش استفاده می شود . شکل کلی مدل های داده های ترکیبی به صورت زیر می باشد :

$$Y_{it}= B_1+ \sum B_j X_{jit}+\sum \alpha_p Z_{pi}+ б_t+ e_{it}$$

در رابطه فوق Y نشان دهنده ی متغیر وابسته ، X متغیر توضیحی مشاهده شده و Z نشان دهنده ی متغیرهای توضیحی غیرقابل مشاهده اثر گذار بر متغیر وابسته برای هر مقطع است که برای توضیح بهتر ، این دسته از متغیر ها از مقادیر اجزا خطا جدا شده است . $_i$ نشان دهنده مقطع ها یا واحد های مشاهده شده ، t نشان دهنده ی دوره زمانی ، $_j$ و $_p$ نشان دهنده ی تفاوت بین متغیر های مشاهده نشده و مشاهده شده در مدل است. نماد e_{it} نشانگر خطای برآورد داده های ترکیبی است .

بر این اساس مدل کلی و اولیه تحقیق به صورت الگوی خطی زیر ارائه شده است:

$$GE = \beta.+\beta 1BFit + \beta 2TFit + \beta 3FSit + \beta 4FFit + \beta 5FIit + \beta 6MFit + \beta 7GSit + \beta 8PRit + \beta 9LFit + \beta 10FCit + eit$$

1- Marshall.L.Ostocker(2006)," Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25, pp .583-594.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

(۱) که در آن:

GE = شاخص کارایی دولت[۱] ، $BFit$ = شاخص آزادی کسب و کار کشور i در سال t ، $MFit$ = شاخص آزادی پولی کشور i در سال t ، $GSit$ = اندازه دولت کشور i در سال t ، $TFit$ = شاخص آزادی تجارت کشورi در سال t ، $FSit$ = شاخص آزادی مالیاتی کشور i در سال t ، $FFit$ = آزادی مالی کشور i در سال t، $FIit$= آزادی سرمایه گذاری کشور i در سال t، $PRit$ = حقوق مالکیت کشور i در سال t ، $LFit$ =آزادی نیروی کار کشور i در سال t، $FCit$ = آزادی از فساد کشور i در سال t، eit = جمله اختلال.

با توجه به مباحث ارائه شده در مطالعات نظری و درجه اهمیت متغیرها ، جدول شماره (۱) طراحی شد[۲] که در آن تعداد کشور ها به تفکیک شاخص های آزادسازی اقتصادی دسته بندی شده اند. براین اساس ، شاخص های اندازه دولت ، آزادی مالیاتی، آزادی کسب و کار از اهمیت بیشتری در محاسبه شاخص کلی آزادسازی اقتصادی برخوردارنبوده اند،بنابراین متغیرهای ذکرشده به عنوان متغیر های هسته انتخاب و سایر متغیرها از مدل کلی اولیه حذف گردید.

جدول شماره (۱): توزیع تعداد کشورهای منطقه براساس میانگین شاخص آزادسازی

میانگین / امتیازشاخص	میانگین ۰-۴۹/۹	میانگین ۵۰-۵۹/۹	میانگین ۶۰-۶۹/۹	میانگین ۷۰-۷۹/۹	میانگین ۸۰-۱۰۰
آزادی کسب و کار	۱۰	۲۲	۱۱	۶	۱
آزادی تجارت	۱۴	۱۶	۱۱	۹	-
آزادی مالیاتی	۴	۵	۱۰	۱۷	۱۴

۱- برای اطلاع بیشتررجوع شود به: www .WorldBank.Org / index

۲ – برای اطلاع از شاخص کلی آزادسازی اقتصادی و نحوه محاسبه هریک از شاخص های آن رجوع شود به : www.Heritage Foundation/ index

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

میانگین / امتیازشاخص	میانگین ۰-۴۹/۹	میانگین ۵۰-۵۹/۹	میانگین ۶۰-۶۹/۹	میانگین ۷۰-۷۹/۹	میانگین ۸۰-۱۰۰
اندازه دولت	۲	۵	۱۵	۸	۲۰
آزادی پولی	۸	۲	۸	۲۲	۱۰
آزادی سرمایه گذاری	۳۲	۱۳	۵	-	-
آزادی مالی	۳۸	۸	۲	۲	-
حقوق مالکیت	۳۷	۳	۴	۲	-
آزادی از فساد	۴۳	۲	۳	۲	-
آزادی نیروی کار	۱۶	۹	۹	۱۰	۵

منبع : محاسبات محقق براساس اطلاعات بنیاد هریتیج

بنابراین مدل اصلی مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از:

$$GE = \alpha. + \alpha_1 BF_{it} + \alpha_2 FS_{it} + \alpha_3 GS_{it} + \alpha_4 MF_{it} \qquad (۲)$$

لازم به توضیح است که با توجه به ارتباطی که ماهیتاً بین اجزای تشکیل دهنده آزادسازی اقتصادی وجود دارد، بین این عناصر ضریب همبستگی بالایی مشاهده می شود . برای اجتناب از بروز مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی این متغیرها به صورت جداگانه وارد الگو شده اند. و برای رفع مشکل هم خطی آزمون های لازم بین متغیر های توضیحی صورت گرفت.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

۵-۲- آزمون قابلیت تخمین مدل بصورت داده های تلفیقی

قبل از برآورد مدل ها با استفاده از روش تخمین داده های تلفیقی یا پانل، باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به صورت جمعی وجود ندارد، به عبارت دیگر آیا کشورهای مورد بررسی همگن می باشند یا خیر. در صورتیکه کشورها همگن باشند، ضرورت استفاده از روش پانل وجود دارد. در این آزمون تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده های جمعی از طریق آماره زیر بررسی می شود . طبق فرضیه صفر این آزمون که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضرایب برآورد شده رگرسیون جمعی وجود ندارد ، بدین معنی که لزومی به تخمین مدل با استفاده از داده های تلفیقی وجود ندارد. به عبارت دیگر از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$Y_i = Z_i б + U_i$ (۳) مدل مقید

$Y_i = Z_i б_i + U_i$ (۴) مدل غیر مقید i= 1,2,3,...

فرضیه صفر پانل بودن را مورد بررسی قرار می دهد. آماره آزمون فوق ، آماره F با درجه آزادی NT-(N+K) و(N-1) می باشد . با توجه به اینکه در مطالعه حاضر تعداد مقاطع (کشورها) برابر ۵۰ ؛ تعداد مشاهدات (سال ها) برابر ۱۴و پارامترها ۴ می باشد؛ آماره آزمونF برای معادلات(۳)و(۴) عبارت خواهد بود از:

جدول ۵-۲- نتایج آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده های تلفیقی

ردیف	آماره F	مقدار
۱	مقدار آماره F	۳۹.۸۱
۲	مقدار بحرانی آماره F در سطح ۹۵٪	۵.۱۴

ملاحظه می شود که آماره F برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی متناظر با سطح ا طمینان ۹۵ درصد است و لذا فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی شود و لازم است مدل به روش داده های تلفیقی یا پانل برآورده گردد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

۵-۳- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی

پس از اینکه اطمینان حاصل نمودیم ، مدل مورد بررسی باید بصورت پانـل بـرآورد گـردد، مهمتـرین سئوالی که مطرح می شود این است که اثرات مقطعی بصـورت ثابـت (وجـود اثـرات ثابـت) هسـتند یـا تصادفی(وجود اثرات تصادفی). بطور کلی برای تخمین مدل های داده های پانل، دو روش وجود دارد که عبارتند از روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی. تعیین آنکه در مورد یک نمونه از داده ها کدامیک از این دو روش باید مورد استفاده قرار گیرد از طریق آزمون های خاص خود انجام می گیرد. یکی از رایج ترین این آزمون ها آزمون هاسمن [1] می باشد. فرضیه صفر آزمون هاسمن آن است که مدل دارای اثرات تصـادفی است . آماره این آزمون نیز آماره χ^2 [2] یا کی دو می باشد . با توجه به نتایج آزمون تعیین اثرات ثابـت یـا اثرات تصادفی ، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می شـود .بنـابراین لازم اسـت کـه مـدل بصورت اثرات ثابت برآورد شود.

۵-٤- برآورد الگو

با توجه به مباحث ارائه شده در بخش های قبل و نتایج جدول الگوی زیر به عنوان الگوی کلی مدل استفاده شده است .

$$GE = \alpha. + \alpha_1 BF_{it} + \alpha_2 FS_{it} + \alpha_3 GS_{it} + \alpha_4 MF_{it} \qquad (۵)$$

باتوجه به نتایج بدست آمده از آزمون های مربوطه نتایج حاصل از تخمین معادله بالا به صورت زیر می باشد:

$$GE = 19.79 + 0.013\ BF_{it} - 0.018\ \ FS_{it} + 0.075\ GS_{it} + 0.055 MF_{it} \qquad (۶)$$

$$(۱.۹۹)\ (۱.۷۶)\ \ (42)\ \ (\ 0.\ 2.88)\ (R^2 = 0.26)$$

که اعداد داخل پرانتز نشان دهنده آمارهt می باشد . که با توجه به نتایج تخمین کلیه پارامتر هـا دارای علامت مورد انتظار هستند و علامت آنها منطبق با انتظار تئوریک می باشد متغیرهای اندازه دولت، آزادی پولی و آزادی کسب و کار دارای رابطه مثبت با کارایی دولت بوده انـد. از سـوی دیگـر متغیرهـای آزادی

1- Hausman Test

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

کسب و کار برآورد شده در سطح یک درصد معنی دار می باشند و متغیرهای آزادی سرمایه گذاری و اندازه دولت نیز معنی دار می باشند. بر اساس یافته های مدل بر آورد شده بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی رابطه منفی وجود دارد. لذا انتظار می رود با افزایش شاخص آزادی مالیاتی ، کارایی دولت در این کشورها کاهش یابد. بر این اساس فرضیه اصلی این تحقیق که بر اساس آن بین شاخص آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت درشرایط آزادسازی اقتصادی یک رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد، مورد تأیید قرار نمی گیرد.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین شاخص آزاد سازی اقتصادی و کارایی دولت در۵۳ کشورعضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال های ۲۰۰۸ - ۱۹۹۵مبتنی بر روش داده های پانل بوده که یکی از مهمترین جنبه های نوآوری این مطالعه در ادبیات آزادسازی اقتصادی و رابطه آزادسازی مالیاتی باکارایی دولت محسوب می گردد. با توجه به بررسی مطالعات انجام یافته، این تحقیق برای اولین بار رابطه دوشاخص فوق را با استفاده از روش پانل دیتا و شاخص های آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و شاخص کارایی دولت بانک جهانی را مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس، مهمترین نتایج پژوهش حاضر را می توان به صورت زیر بیان نمود:

نتایج حاصل از بررسی ارتباط بین اجزای شاخص آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت بیانگر وجود رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می باشد . به بیان دیگر با توجه به تعریف آزادی مالیاتی بنیاد هریتیج هر چه سطح مالیات بالاتر باشد، شاخص آزادی مالیاتی پایین تر است، بنابراین با توجه به رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می توان نتیجه گرفت که هرچه سطح مالیات در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بالاتر باشد، شاخص آزادی مالیاتی پایین تر و در نتیجه کارایی دولت افزایش می یابد. نتایج تحقیق حاضر گویای این امر است که شاخص های اندازه دولت ، آزادی کسب و کار، آزادی پولی شاخص هایی هستند که با شاخص کارایی دولت دارای رابطه مثبت و معنی دار هستند و سایر شاخص های دهگانه آزادسازی اقتصادی با کارایی دولت رابطه منفی دارند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

با توجه به اهمیت بحث آزادسازی اقتصادی و نقش سیاست های مالیاتی در توسعه و رشد اقتصادی کشورها و همچنین تأثیر آن بر روی کارایی دولت ها ، پیشنهاد می شود که کشور های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با برنامه ریزی و اقدامات موثر و هماهنگ در جهت تقویت سایر شاخص ها،گام های بهتری در جهت داشتن دولتی کاراتر بردارند.

از طرف دیگر پایین بودن میانگین شاخص آزادسازی اقتصادی در ایران، بیانگر این موضوع است که ایران از نظر شاخص آزادسازی اقتصادی (مطابق با تقسیم بندی بنیاد هریتیج)، از جمله کشورهایی است که دولت بیشترین دخالت را در اقتصاد دارد. نظر به اهمیت بحث خصوصی سازی و اصل ۴۴ در کشورمان و این موضوع که اصل ۴۴ و خصوصی سازی به معنای کنار گذاشتن دولت نیست، پیشنهاد می شود دولت با نقش معمار جدید وارد کار شود و با برنامه ریزی مناسب در زمینه کاهش مداخله در اقتصاد و نظام های مالی و برداشتن موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای ،... زمینه ایجاد دولتی کارآتر را فراهم نماید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

منابع :

۱.آذرمند، حمید(۱۳۸۳)،"بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص های عمده در اقتصاد کلان" پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی ، دانشگاه علوم و فنون مازندران

۲.اکبریان مهر، زهرا(۱۳۸۶) ،" بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی در کشور های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا "، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی ، دانشگاه آزاداسلامی واحد فیروزکوه.

۳.پژویان ، جمشید(۱۳۷۱) ،" کارایی دولت و خصوصی سازی "، فصلنامه مطالعات مدیریت ، سال دوم، شماره ۸، صفحه ۲۴-۲۸.

۴.حسینی ، سید محسن(۱۳۸۵) ، "فساد و آزادسازی اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا " ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۵.جعفری صمیمی ، کرم سینا و احمدکرم .جهانی شدن ، شاخص ها و جایگاه اقتصاد ایران ، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی ،۱۳۸۴.

۶. دادگر،یداله (۱۳۸۱). تحلیل مقایسه ای دولت در مکاتب اقتصادی- سیاسی ، .تهران: دانشگاه مفید.

۷.گجراتی، دامور(۱۳۸۷). مبانی اقتصادسنجی . ترجمه حمید ابریشمی ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .

۸. گلشن ، ابراهیم (۱۳۸۵) ، "حاکمیت ،دولت و اندازه حکومت "، ویژه نامه تحول اداری ،سازمان مدیریت و برنامه ریزی ،سال دهم ، شماره ۵۲

9. Barrow, R. J. Rule of Law(2000), Democracy, and Economic Performance.
10. Chapter 2, in Gerald P. O' Driscoll, Jr., Kim R. Holmes, and Melanie Kirkpatrick, Index of Economic Freedom , Washington, D.C, Inc.(2000): p. 36.
11. Berggren, N.(1999) "Economic Freedom and Equality: Friend or Foes? ", Public Choice, Vol .100, Issue 3, September.
12. Berggren, N. (2003) , " The Benefit Of Economic Freedom ; A Survey", Independent Review ,Vol. 8 , No.2 ,Fall .
13. Depken, C. A. & Sonora, R. J. (2002)," The Asymmetric Effects of Economic freedom International Trade flows ", working paper, Texas: Department of economics University of Texas.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

14. Gwartney, J. & Lawson, A. L.(2004) , " Economic Freedom Of The World : 2004 Annual Report " , Vancouver , BC : Fraser Institute .
15. Grubel, H. G. (1998), "Economic freedom and human welfare", Simon Fraser University, Cato journal (pp .287-304).
16. Kaufmann, D. , Aart ,K., & Massimo, M.(2008) ,"Governance Matters VII : Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007," Washington, D.C,
17. World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team &World Bank Institute Global Governance Program .
18. Kaufmann, D. , Aart ,K., & Massimo, M.(2007) "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics," Washington, D.C, and World Bank Policy Research Working Paper No. 4149:pp.43-56
19. Linder, P. H(2008)," Welfare states, markets and efficiency: The free Lunch Puzzle Continues", University Of California – Davis Appalachian State University, Department of History.
20. Park, D(2005)."The Roles of Government in increase of Borderless of the world ", Nan yang Technological University , Mass-ESE Essay Competition,.
21. Stocker, M. L(2005)." Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25:583-594.
22. William, W.B. & Kane, and T.(2008) Methodology: Measuring the 10 Economic Freedoms. The index of economic freedom 2008, chapter 4, Washington, and D.C: The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc.,: pp .39-55.
23. http:www. Heritage Foundation/ Economic Freedom Index
24. http:www.worldbank.org/TheGovernmentIndicator

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]